



نسرین اوجاقی

دیرکل انجمن صنایع لوازم خانگی ایران

چالش‌ها و فرصت‌های صنعت لوازم خانگی

صنعت لوازم خانگی ایران با وجود مشکلات فراوانی که طی سال‌های اخیر با آن روبه‌رو بوده، توانسته به‌ویژه در زمینه صادرات، گام‌های مثبتی بردارد. بازارهای آسیایی، کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا و برخی از کشورهای آفریقایی، به‌عنوان مقصد‌های بالقوه برای صادرات کالاهای ایرانی شناخته می‌شوند. این فرصت‌ها، اگر با برنامه‌ریزی و اقدامات صحیح همراه شوند، می‌توانند منجر به بازگشت این صنعت به مسیر رشد و توسعه پایدار شوند.

کیفیت تولیدات داخلی لوازم خانگی ایران در سال‌های اخیر به‌شدت بهبود یافته و بسیاری از برندها توانسته‌اند با محصولات خارجی رقابت کنند. با این حال، کاهش ۳۸ درصدی تولید و ۴۰ درصدی فروش داخلی نشان‌دهنده اشباع بازار است و بر لزوم تمرکز بیشتر بر صادرات تأکید می‌کند.

یکی از عوامل عمده‌ای که تولید این صنعت را با مشکلاتی مواجه کرده، قطعی برق در تابستان و ناترازی گاز در زمستان است. همچنین، کمبود مواد اولیه و قطعات وارداتی و محدودیت در تأمین ارز، به تولیدکنندگان فشار مضاعفی وارد کرده است. در این شرایط، برخی از خطوط تولید به‌طور موقت تعطیل شده‌اند. علاوه بر این، ورود کالاهای قاچاق و ته‌لنجی به بازار نیز رقابت ناعادلانه‌ای برای تولیدکنندگان داخلی به‌وجود آورده است. طبق برآوردها، حدود ۳۰ درصد از لوازم خانگی موجود در بازار از مسیرهای غیررسمی وارد می‌شوند که این موضوع، خود را موانع اساسی پیش‌روی تولید داخلی به‌شمار می‌رود. برای مقابله با این مشکلات، انجمن تولیدکنندگان لوازم خانگی از آزادسازی مشروط و تعرفه‌محور واردات حمایت می‌کند. هدف این سیاست، ایجاد فضای رقابتی سالم و جلوگیری از واردات بی‌ضابطه است. تعرفه‌گذاری و نظارت دقیق بر واردات می‌تواند به حفظ حقوق مصرف‌کنندگان و حمایت از تولیدکنندگان داخلی کمک کند. در این راستا، تنظیم منطقی بازار از طریق تعرفه‌گذاری و نظارت دقیق، می‌تواند به جلوگیری از قاچاق و ارتقای کیفیت خدمات پس از فروش کمک کند.

در زمینه صادرات، توافق‌نامه تجاری ایران با اتحادیه اوراسیا در سال‌های اخیر فرصت‌های جدیدی برای ورود محصولات ایرانی به بازارهای منطقه‌ای فراهم کرده‌است. کالاهایی چون جاروبرقی، پلوپز، آبگرمکن و وسایل آشپزخانه که هزینه حمل پایین‌تری دارند، از ظرفیت بالایی برای صادرات به کشورهای همسایه و آسیای میانه برخوردارند. گسترش جغرافیایی صادرات لوازم خانگی ایرانی به کشورهای عراق، افغانستان، ارمنستان، آذربایجان و حتی برخی کشورهای آفریقایی، نویدبخش آینده‌ای روشن برای این صنعت است. صنعت لوازم خانگی ایران با مشکلات زیرساختی جدی مانند فرسودگی ماشین‌آلات و کمبود سرمایه‌گذاری در نوسازی خطوط تولید روبه‌رو است. دسترسی محدود به تسهیلات ارزی، مشکلات انرژی و کمبود سوخت نیز تولیدکنندگان را به استفاده از ژنراتورهای شخصی و مواجهه با هزینه‌های بالای سوخت دیزل وادار کرده‌است.

حمیدرضاییاتی‌ناکشانانی

روزنامه نگار

به‌شمار می‌رود. سروش نوبری، کارشناس بازار سرمایه، به درستی بر این نکته تأکید می‌کند که شرکت‌های بورسی با حضور سهام‌داران متنوع و نظارت مستمر بازار، ناچار به اتخاذ سیاست‌های اقتصادی مبتنی بر بهره‌وری و افزایش سودآوری می‌شوند. این تغییرات عمیق، به‌ویژه در صنایع سرمایه‌بر همچون پتروشیمی، فولاد و دارو، نه‌تنها موجب تسهیل تأمین مالی پروژه‌های کلان می‌شود بلکه مسیر نوسازی و توسعه خطوط تولید را نیز هموار می‌کند. نوبری همچنین به مزیت‌های دیگری چون بهبود ترکیب سهامداری و گسترش مشارکت عمومی در ساختار مالکیت اشاره می‌کند. این امر به‌طور مستقیم موجب تقویت نظارت عمومی بر عملکرد مدیران و افزایش شفافیت در اداره شرکت‌ها می‌شود. با گسترش دامنه سهامداری، ارزش‌داری‌های شرکت‌ها به‌شدت افزایش یافته و رتبه اعتباری آنها در تعامل با نهادهای مختلف نیز بهبود می‌یابد. در نهایت، شفافیت مالی و استانداردهای دقیق‌تر اطلاعاتی، زمینه‌ساز جذب سرمایه‌گذاران و توسعه پایدار این شرکت‌ها در بازار سرمایه می‌شود.

تأثیرات کلان اقتصادی و ساختاری

از منظر کلان اقتصادی، رویکرد واگذاری بنگاه‌ها از طریق بازار سرمایه نه‌تنها تحول اساسی در ساختار مالکیت اقتصاد کشور به‌وجود می‌آورد بلکه چشم‌اندازی نوین از حکمرانی اقتصادی شفاف و رقابتی را پیش‌روی ملت می‌گذارد. نوبری، کارشناس برجسته بازار سرمایه، به وضوح بیان کرد این تغییرات، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و صندوق‌های بازنشت‌سنگی را از نقش بنگاهدار به سهامدار تبدیل خواهد کرد. این دگرگونی، به‌ویژه با افزایش بهره‌وری سرمایه در بنگاه‌های تولیدی و صنعتی، محرک اصلی رشد اقتصادی پایدار خواهد بود.

وی افزود که این واگذاری‌ها علاوه بر تقویت عمق بازار سرمایه، فرصت‌های جدیدی برای سرمایه‌گذاران خرد و نهادهای ایجاد می‌کند. به‌ویژه، افزایش عرضه‌های اولیه سهام باعث توزیع بهینه نقدینگی در بازار می‌شود و از تمرکز سرمایه در بخش‌های غیرمولد جلوگیری خواهد کرد. در این مسیر، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در حال حرکت به سوی حکمرانی اقتصادی شفاف و رقابتی است که به مشارکت عمومی در رشد و توسعه صنایع و افزایش شفافیت مالی و بهره‌وری در شرکت‌های دولتی منتهی خواهد شد. این حرکت، بدون شک، به یک تحول بنیادین در اقتصاد کشور منجر خواهد شد و منافع اجتماعی و اقتصادی گسترده‌ای به همراه خواهد داشت.



از منظر اقتصادی، نوبری همچنین به پیامدهای مثبت این تصمیم اشاره کرد و بیان داشت که کاهش تمرکز مدیریتی در سطح وزارتخانه، موجب واگذاری تصمیم‌گیری‌ها به نهادهای تخصصی و حرفه‌ای خواهد شد. او از دیگر مزایای این اقدام، افزایش انضباط مالی و شفافیت در گزارش‌دهی عملکرد شرکت‌ها یاد کرد و تأکید کرد که الزامات بازار سرمایه، باعث می‌شود که عملکرد این شرکت‌ها به‌طور مداوم و دقیق ارزیابی و گزارش‌دهی شود. در نهایت، این تحولات موجب می‌شود که شرکت‌ها برای تأمین مالی پروژه‌های خود، به‌جای اتکا به منابع بانکی، بتوانند سرمایه‌گذاران خرد و نهادهای را جذب کرده و منابع پایدارتری برای توسعه خود فراهم کنند.

تحول در ساختار مدیریتی

ورود شرکت‌ها به بورس، نه‌تنها گامی استراتژیک برای تأمین مالی پایدار پروژه‌های توسعه‌ای، بلکه نقطه عطفی در ارتقای ساختار مدیریتی و تصمیم‌گیری این شرکت‌ها

«وزارت کار نمی‌تواند به‌خوبی شرکت‌ها را مدیریت کند.» این تحول با عرضه اولیه سهام شرکت‌هایی چون «نخ تابر صبا» و دو شرکت دیگر از مجموعه شستا آغاز شده و گام نخست برای تبدیل وزارت کار از بنگاهدار به سهامدار در بورس است.

عرضه اولیه سهام و شفافیت مالی

سروش نوبری، کارشناس بازار سرمایه، در گفتگو با آتی‌نو، به تشریح ابعاد مختلف مزایای ورود شرکت‌های زیرمجموعه سازمان تأمین اجتماعی به بورس پرداخت. به گفته او، یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این حرکت، افزایش شفافیت مالی است که در پی آن، نظارت دقیق‌تر بر عملکرد شرکت‌ها و ارتقای سطح پاسخگویی مدیریتی در دستور کار قرار خواهد گرفت. نوبری افزود: «عرضه سهام به عموم مردم نه‌تنها فرصتی برای مشارکت فعال جامعه در مالکیت و رشد این صنایع فراهم می‌کند، بلکه بازار سرمایه را به پل ارتباطی میان سرمایه‌های خرد و بنگاه‌های تولیدی تبدیل خواهد کرد.»

در دنیای اقتصادی امروز، هر تغییر ساختاری می‌تواند آغازی بر تحولی بزرگ باشد. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی اقتصاد ایران، در حال برداشتن قدمی است که به‌تدریج آینده‌ای نو برای کشور رقم خواهد زد. پایان دوران بنگاهداری دولتی و آغاز عصر سهامداری در این وزارتخانه، به‌عنوان یک تغییر بنیادین، نه‌تنها در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی بلکه در فلسفه اداره‌داری‌های عمومی و حکمرانی کشور نیز تحولاتی شگرف به‌وجود خواهد آورد. این گام بلند که با عرضه سهام شرکت‌های بزرگ زیرمجموعه سازمان تأمین اجتماعی در بورس آغاز شده، حکایت از چشم‌اندازی نو و به‌مراتب شفاف‌تر در عرصه اقتصادی ایران دارد.

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، احمد میدری، به‌صراحت در همایش «وفاق برای سرمایه‌گذاری و ایران ماهر»، از مشکلات عدیده ناشی از مدیریت دولتی بنگاه‌ها در حوزه‌های مختلفی چون فولاد، دارو، سیمان و پتروشیمی سخن گفت و به صراحت اذعان داشت که

ظرفیت فراموش‌شده صادراتی صنعت کفش

صنعتی دیرپا که میان هزینه‌های تولید، سیاست‌های ارزی و ضعف زیرساخت گرفتار مانده است

ایران یکی از قدیمی‌ترین خاستگاه‌های صنعت کفش در منطقه است؛ صنعتی با سابقه‌ای طولانی در تولید و اشتغال‌زایی که امروز در نقطه‌ای حساس از مسیر خود ایستاده است. هرچند ظرفیت رشد و صادرات در این بخش بالاست، اما فشار هزینه‌های تولید، نوسانات ارزی و ضعف ساختاری بازار داخلی، توان رقابتی آن را به‌شدت کاهش داده است. کفش ایرانی به‌دلیل کیفیت مواد اولیه و مهارت نیروی کار شناخته شده است، اما در غیاب سیاست‌های حمایتی پایدار و در سایه بوروکراسی پیچیده و کمبود مواد اولیه، این صنعت در سال‌های اخیر با چالش‌های فزاینده‌ای روبه‌رو شده است. بر پایه آمارهای رسمی، ایران با تولید سالانه حدود ۲۰۰ میلیون جفت کفش در جایگاه یازدهم تولیدکنندگان جهان قرار دارد و حدود ۱۲ هزار واحد صنعتی و صنعتی در این حوزه فعالیت می‌کنند. این صنعت بخش مهمی از اشتغال شهری و خانوادگی را در بر می‌گیرد، اما بخش قابل‌توجهی از کارگاه‌ها هنوز با ساختار سنتی و نیمه‌صنعتی اداره می‌شوند. مقیاس کوچک تولید و پراکندگی واحدها، به‌ویژه در استان‌های تهران، قم، تبریز و مشهد، موجب استفاده از فناوری‌های نو و ماشین‌آلات مدرن توجیه اقتصادی نداشته باشد؛ نتیجه آن، کاهش بهره‌وری و ضعف در رقابت با تولیدکنندگان بزرگ منطقه‌ای است.

هزینه‌های سنگین و رقابت نابرابر

بخش عمده تولید کفش در ایران بر پایه سه ماده اصلی PU، EVA و PVC است. این مواد در گذشته وابستگی شدیدی به واردات داشتند، اما امروز بخش قابل‌توجهی از آن‌ها در داخل تولید می‌شود. با این حال، افزایش قیمت مواد اولیه در بازار داخلی و نوسان نرخ ارز، هزینه تمام‌شده تولید را بالا برده است. در کنار این موارد، کمبود اقلامی چون رنگ، روغن و مواد فرآوری چرم، بخش کفش چرمی کشور را نیز از حضور مؤثر در بازار جهانی بازداشته است. بازار صادراتی کفش ایران در حال حاضر به چند

مقصد محدود خلاصه می‌شود. عراق، افغانستان و پاکستان مهم‌ترین مقاصد صادراتی هستند، اما رقابت با برندهای ترکیه‌ای دشوار است. تولیدکنندگان ترکیه با بهره‌گیری از فناوری پیشرفته، هزینه تمام‌شده پایین‌تر و حمایت‌های هدفمند دولتی، محصولات خود را با قیمت و کیفیتی عرضه می‌کنند که تولیدکنندگان ایرانی توان برابری با آن را ندارند. آمار رسمی از کاهش ۲۴ درصدی ارزش صادرات و ۱۳ درصدی وزن محموله‌ها در چهار ماه نخست سال جاری حکایت دارد؛ روندی که زنگ خطری جدی برای صنعتی محسوب می‌شود که بخش مهمی از آن به صادرات وابسته است. کارشناسان می‌گویند بخشی از این افت، ناشی از سیاست‌های ارزی و بانکی است. الزام صادرکنندگان به بازگرداندن ارز صادراتی در قالب‌های محدود و زمان‌بندی شده، انگیزه صادرات را کاهش داده و برنامه‌ریزی مالی بنگاه‌ها را مختل کرده است. تعهدات ارزی و بروکراسی بانکی نیز موانعی جدی در مسیر رشد شرکت‌های صادراتی به‌شمار می‌رود.

از سوی دیگر، پدیده قاچاق کفش تهدیدی بزرگ برای تولیدکنندگان داخلی است. ورود کفش‌های ارزان‌وبی‌کیفیت خارجی به بازار ایران، سهم تولیدکنندگان داخلی را کاهش داده و انگیزه نوآوری و ارتقای کیفیت را از میان برده است. تداوم این روند، به‌ویژه در استان‌های دارای خوشه‌های کفش، می‌تواند اشتغال در کارگاه‌های کوچک و متوسط را به خطر اندازد و بازار داخلی را بیش از پیش در اختیار محصولات غیررسمی قرار دهد.

مسیرهای بازسازی و آینده صادراتی

با وجود چالش‌های گسترده، صنعت کفش ایران همچنان از ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه چشمگیری برخوردار است. تولید سالانه حدود ۲۵۰ میلیون جفت کفش نشان می‌دهد زیرساخت تولید در کشور وجود دارد، اما بهره‌گیری از آن نیازمند اصلاح سیاست‌های حمایتی، ثبات اقتصادی و